

دستور جلسه: بحث تکمیلی پرواربندی و شروع بحث بازرگانی محصولات دام سبک

حاضرین: آقایان: دکتر ارزانی، دکتر خورشیدی، مهندس صفرزاده، مهندس نعمت آبی، مهندس یاوری، مهندس مقیمی، مهندس دارابی، مهندس احمدوند، دکتر رزاقی، خانم دکتر رضوی، خانم دکتر اژدری، آقایان پهلوان، مهندس فیاض و دکتر علیرضا افتخاری.

غائبین: آقای دکتر باغستانی، مهندس خادمی، مهندس والی و مهندس یوسفی.

مرور جلسه قبل (جلسه ۱۶):

درمورد پروار بره ها تجربه سازمان امور عشایراز موفقیت نسبی برخوردار بوده است، در مور اندازه گله دو دیدگاه شامل: ۱- جهت گیری به سمت دامدار با گله های بزرگ و حذف افراد بادام کم ۲- ایجاد گله با اندازه گله بزرگ متعلق به چندین نفر در این مورد نگرانی از آسیب ها و پی آمدهای اجتماعی افراد حذف شده از نظر اشتغال و آسیب های اجتماعی با توجه به نداشتن مهارتهای فنی و حرفه ای برای جذب در بازار کار مطرح شد.

مسائل مربوط به بهداشت دام و اثرات آن بر درآمد دامدار و اینکه مسائل شناخته شده، راهکارها روشن است باید برای اجرایی شدن آنها تلاش کرد (در جلسه ای با دعوت از مسولین مرتبط در دامپزشکی بحث شود)

عدم تناسب افزایش هزینه تولید گوشت با قیمتی که گوشت از تولید کننده خریداری می شود، اشکالات ساختار کنونی گله از جمله نگهداری دامهای با سنین غیر اقتصادی، نگهداری تعداد قوچ مازاد بر نیاز گله، نرخ پائین بره گیری

شروع بحث دستور جلسه هفدهم

نظامهای مدیریتی عشایر قدمت طولانی دارد و نظامهای دولتی کمتر از یک قرن نقش آفرینی میکند، قبلا عشایر با سیستم مدیریتی پایدار خودشان مشکلی نداشتند و مراع هم با مشکلی مواجه نبود. سیستم دولتی آنر تبدیل به شبه کارفرما و کارگر کرد. باید به سمتی رفت که نظامهای مدیریتی قبل احیاء شود و واسطه ها حذف شوند. بازگرداندن ایل راهها یک نوع دل نگرانی از تصمیمات بدون لحاظ کردن نقش عشایر،

در دامداری سه حلقه اصلی شامل: مدیریت دام مولد، مدیریت دام قابل عرضه به بازار و بازاریابی مطرح است. زنجیره تولید را سازمان عشایر مطرح و آن را شروع کرد، تسهیلاتی نیز برای این مهم پیش بینی کرد. اهداف آن افزایش درآمد عشایر، خارج شدن بخشی از دام از مرتع است. پروار نیز توسط خود عشایر صورت می گیرد. مشکل بازپرداخت بدهی دامدار در بهار آن را ملزم به فروش زودهنگام بره می کند. نگرانی از فروش دام با وزن کم که حاصل یک سال دسترنج عشایر است. رفتن دام در سن کم به کشتارگاه به ضرر دامدار و از دست رفتن فرصت تولید گوشت در کشور است. بطور متوسط توسط عشایر توانستیم میانگین ۲۴ کیلو وزن را افزایش دهیم و بدون هزینه زیاد از همان امکانات آغل عشایر استفاده شد و در تابستان با ایجاد سایه بان با تغذیه دستی صورت گرفت. قبلا هم تغذیه دستی بوده است ولی دام در مرتع بوده و افراد متمکن این گونه عمل می کرده اند. طرح بعدی بازار و بازاریابی است. اگر حلقه آخر را تکمیل نشود، اقدامات به نتیجه مطلوب نمی رسد. یکی از راه حلها صادرات است که اکنون مجاز است ولی بخشی نیز تحت تاثیر مسائل روابط سیاسی با برخی از کشورهاست. سال قبل یک میلیون صد هزار دام صادر شد ولی امسال با مشکل تب برفکی با مشکلاتی مواجه شد و اخیرا مرتفع شده است. مسئله دیگر واردات گوشت با تعرفه مناسب به نحوی که بازار فروش تولیدات داخل را بامشکل مواجه نکند. با توجه به اینکه بخش بازرگانی به وزارت کشاورزی واگذار شده است. می تواند کمک کند. تا جایی که فشار غیر متعارف به مصرف کننده نیاید باید از واردات جلوگیری کرد. البته مسائلی مربوط به شیر و کرک و پشم هم مطرح است که باید ساماندهی شود. استفاده از تشکلهای عشایری ظرفیت خوبی برای این گونه اقدامات است

تولید گوشت بره از عوامل تدام نظام دامداری عشایری است در صورتیکه همه منافع آن به عشایر برسد. در کنار دام داشتی حصار کشی و ایجاد قطعات پروار بره به جای فروش به سلف خر بعد از پروار در وزن مطلوب به بازار عرضه شود. قرار داد خرید ۲۰ هزارتن

کنسانتره منعقد شد و ۱۳ هزار تن امکان خرید وجود داشت ولی از نظر فنی زیر ساختها کامل نیست از جمله انبار کافی برای نگهداری کنسانتره لازم است، از نظر علمی عشایر با سیستم تغذیه در پروار آشنا نیستند باید در برنامه اصول پرواربندی آموزش داده شود. وجود دانه های زنده جو در مدفوع بره نشانه ای از پرت است و به زیان دهی منجر می شود. در پروار بندی باید به نژادهایی که ضریب پرواربندی خوب دارند تکیه کنیم در همه نژادها این گونه نیست در برخی نژادها ۱۰۰ گرم افزایش وزن اتفاق می افتد. مسئله استفاده از نژادهای غیربومی باید با توجه به همه جوانب دیده شود. بحث پیچیده ای است. پروار با نژادهای خاص و توام با آموزش عشایر توسعه یابد و بازار یابی باید در زنجیره دیده شود.

سرعت تغییرات زیاد است، تغییرات ژنتیکی سرعت بیشتری پیدا کرده است. برای عشایر ساکن می توان از دامهای اصلاح شده استفاده کرد. عشایری که کوچ می کنند جداگانه دیده شود. اگر تغییرات ترکیب نژادی کنترل نشود مشکل ساز است. استفاده از نژادی که قابلیت تولید بره بیشتری دارد از هفت دهم به ازای هر راس به یک و چهار دهم برساند بهتر نیست؟ بهبود کیفیت لاشه از دیگر مسائل است. در نظام عشایر میانگین لاشه ۱۵ تا ۱۷ کیلو است ولی در سیستم اصلاح نژاد می تواند بره گیری و افزایش وزن لاشه اتفاق بیفتد. در شرایط کوتاه مدت، تجارب سنتی برای پاسخگویی به نیاز فعلی جوابگو نیست باید از شیوه های نوین دامداری استفاده کرد. بهبود مدیریت تولیدمثلی که می تواند در پروار بندی مؤثر باشد. بلند مدت اصلاح نژاد متناسب با شرایط اقلیم در کوتاه مدت بهبود تغذیه و تولید مثل است. بهتر است پروار توسط عشایر انجام شود.

مسئله مهم دور اندیشی است، آیا عواقب دستکاری ظرفیت های ژنتیکی را در بلند مدت دیده ایم؟ ۵۰ سال بعد ما نیستیم که نتیجه عواقب تصمیمات خود را ببینیم. عشایر را نباید فقط تولیدگوشت ببینیم گوشت زیاد مصرف می کنیم. نقش عشایر در حفظ مراتع باید دیده شود. اگر کوچ را از عشایر بگیریم اگر جلو رفت و آمد بز را بگیریم. کوچ عشایر نظام مدیریتی خاصی داشته است، بدون اینکه ظرفیت مرتع را لحاظ کنند دام به مرتع نمی برده اند. آیا هر علمی از آن طرف آب را چشم بسته قبول کنیم و بکار بندیم؟ آنها خودشان در مورد بهم زدن کوچ متوجه اشتباه خود شده اند و اکنون برای گرایش به کوچ یارانه می دهد (اسپانیا، فرانسه). هر منطقه متناسب با شرایط اکولوژیک دام خاص خود را دارد. تجربه کشت ارقام مختلف جو و اثرات آن بر بهبود تولید تجربه موفقی بوده است. مسائل مربوط به تولیدگوشت حاصل از تغذیه محصولات تراریخته و پی آمدهای بیماری زای آن مطرح است. به راحتی ژن ها دستکاری نشود. تغییرات دو سال اول بعضا خوب بوده و بعد از چند سال مسئله با مشکل مواجه می شود. دام تمام محصولاتش درآمد دارد، شیر، پشم، گوشت، دنبه، عرق چرک پشم، باید اینها را به عشایر بازگرداند.

باید مثلث دام مرتع و انسان را با هم دید. در زنجیره تولید با توجه به مشکلات کوچ و خشکسالیها، در کوتاه مدت پروار بندی، در دراز مدت با اجرای زنجیره کامل تولید فشار بر مراتع کاهش می یابد. دام قابل پروار اعم از بره و سایر دامهای قابل پروار از مرتع خارج می شود. این مسئله با لحاظ کردن معیشت عشایر است. آموزش و ترویج در آن دیده شده اتحادیه های عشایر تعداد قابل توجهی کارخانه کنسانتره دارند. در استان فارس سه دامداری کوچک یک نفر جو سالم، دیگری جو خرد شده و دیگری کنسانتره استفاده کرد. رکورد گیری آنها نشان داد. نفر اول ۱۶۰ گرم نفر دوم ۲۰۰ گرم و نفر سوم ۲۵۰ گرم افزایش وزن روزانه داشت. در کنسانتره با ۵۰ کیلو جو ۱۰۰ کیلو خوراک می توانیم تولید کنیم. در دراز مدت مطالعه اصلاح ژنتیکی دیده شود و براساس مطالعات لحاظ شود. اصلاح نژاد برای سیستم بسته مطرح است نه در سیستم وابسته به مرتع. در عشایر اسکان یافته می توان سیستم اصلاح نژاد را مورد توجه قرار داد. تجربه کاهش دام و متناسب کردن آن با ظرفیت مرتع و پی آمد افزایش نرخ بره گیری و افزایش وزن و وارد شدن در پروار و استفاده از کنسانتره خوب منجر به رسیدن وزن به ۲۲ کیلو گوشت از هر بره در مازندران شده است.

در لیتوانی دامدار با تجربه در دانشگاه دانش بومی را آموزش می داد. یک ترم دانش بومی تدریس می کنند. پیش بینی سال پر باران بر اساس رفتار جفتگیری دیر هنگام حیات وحش منطقه در مازندران توسط عشایر بومی از نمونه های دانش بومی مطرح است و پیش بینی درست و همان اتفاق صورت گرفت.

پروار جنبه های تخصصی دارد که در حوزه تخصص بنده نیست، ولی در بحث اقتصادی کردن بدیهیات را نمی بینیم. یک نفر مرده هم تا گواهی پزشکی صادر نشود دفن نمی کنیم ما برای عشایر گواهی فوت صادر نکرده آن را دفن می کنیم. توان زیست‌مندی عشایر را در طبیعت نمی بینیم باید نگاه استراتژیک می داشتیم نقاط قوت و ضعف را می دیدم. عشایر نقاط قوت زیادی داشته اند که تا کنون مانده اند و ادامه می دهند. آنها هم دانش مبتنی بر آزمون و خطا در دراز مدت بدست آورده اند. باید فرایند را با دانش جدید حمایت کنیم به نحوی که آن جریان به صورت درون زا خود را اصلاح کند باید در کنار از طریق القانات برون زا دانش جدید را در اختیارش قرار دهیم و کنارش بمانیم. ما اصولاً تجربه آنها را نمی بینیم. دولتها کارفرمای خوبی. ما نسخه مبتنی بر بازار را رها کردیم و دولت به جای نقش تکمیلی نقش اصلی پیدا کرد در حوزه تصمیم گیری اصلی است و بازار را از کار انداختیم. نمی گذاریم بازار حرف خود را بزند. جامعه بسیار بیش از شایستگی هایش مصرف می کند دولت هم به دلیل الزامات سیاسی پشتیبانی می کند، بدون توجه به الزامات اقتصادی. با وارد شدن شوک نفتی از سال ۵۳ با ورود درآمد زیاد، بیماری مصرف فراتر از شایستگی جامعه پایه گذاری شد. تناسب بین مصرف و شایستگی در اقتصاد ایران به شدت لطمه دیده البته به بصورت میانگین افرادی هم در شرایط سخت زندگی میکنند. به همین دلیل مصرف لوکس و تجملی افزایش یافت که فراتر از شایستگی است. در یک وزاتخانه تفاهم و توافق فکری در موضوعات وجود ندارند. پروار بندی می تواند یک نوع همزیستی با عشایری داشته باشد. از نظر اقتصادی دامپروری جزئی از کشاورزی است. ولی شروط خاص خودش را دارد که به تزریق دانش نوین و استفاده از تجربه دانش بومی تکیه می کند.

هنوز شناختی از دانش بومی نداریم. ادبیات مسئله را خوب نمی شناسیم. در نظام آموزشی دانشگاه در این خصوص مطلب در خوری وجود ندارد. هنوز به یک تفکر و نظر مشترک نرسیده ایم.

: اینکه عشایر کوچنده را در قالب صنف کارفرما و کارگر شکل بدهیم کار درستی نبوده است. ما چه کردیم نسل ماقبل ما چه کردند چه برای نسل آینده می گذاریم. چرا این هم سراسیمه هستیم، اشکال کجاست. چرا به هویت خود بر نمی گردیم و در پی وارد کردن ارزشهای دیگران هستیم.

یکی از راههای توانمند کردن مرتعداران پرواربندی در کنار دامداری است و در آن به دانش بومی توجه شود و تلفیق آن دیده شود. در مورد نژاد بهتر است تحقیقات کار کند. آیا شیوه دیگری به صورت حرفه ای از پرواربندی می تواند مطرح باشد؟

پروار با درصد زیاد کنسانتره در تحقیقات شروع شده است. ولی دستگاه گوارش را تخریب می کند دام در طولانی مدت قابل نگهداری نیست. بهبود وضع موجود و افزایش بهره وری در وضع موجود مطرح است. استفاده از کنسانتره در پروار اجتناب ناپذیر است.

عدم تکمیل شدن زنجیره تولید. در محصولات منابع طبیعی ارگانیک تولید می شود ولی هیچ برندی نداریم. ظرفیتهای اقتصادی خوبی پیش بینی شده است ۱۰ درصد از صندوق توسعه ملی به کشاورزی اختصاص یافته است. در تعاونیها و اتحادیه ها بسیار ضعیف عمل کردیم باید ساختارها را درست کنیم. بسیاری از بازارها دست واسطه ها است. جایگاه تشکلهای در مدیریت بازار دیده نمی شود. اختلاف قیمت خرید گوشت از دامدار با قیمت گوشت برای مصرف کننده زیاد است.

تمام اجزاء دام از جمله گوشت، پشم و کرک، روده، پوست، سم، شیر و فرارده های وابسته و.... ارزش اقتصادی دارد. محصولاتی که از کرک، روده و... بعد از صدور در سایر کشورهای تولید می شود با ارزش افزوده بیشتر و قیمت‌های گران به خودمان می فروشند. می توان از این ظرفیت برای استفاده عشایر استفاده کرد و این شدنی است. باید پایه گذاری درست کرد. عشایر از ناچاری محصولات را با قیمت ارزان پیش فروش می کنند. باید جوری دیگری فکر کرد.

بازار دست شبکه ای جاافتاده و منظم صنعتی است. در بخش دام واسطه های زیاد است از چند دست چوبدار دام دست به دست می شود تا به شهرهای بزرگ می رسد در نهایت به کشتارگاه می رسد. باید به گونه ای عمل کنیم که جامعه تولید کننده براساس نظام صنفی که خودش تولید می کند عمل کند. اکنون تعاونیهای کوچک عشایری تا اتحادیه های مرکزی داریم منتهی نتوانسته اند تاثیر گذار بر بازار باشند و سیستم سنتی بازار را مهار کنند. باید تشکلهای را از نظر منابع مالی و علم بازار و بازرگانی تقویت کنیم. سیستمی

که محصول را جمع آوری و تا بازار مصرف آن را مدیریت کند. در زنجیره تولید سازمان عشایر پیش بینی کرده است. از ورود دام به پروار تا خارج شده آن از پروار و عرضه به بازار دیده شده و صادرات هم در آن دیده شده است. به اندازه نیاز تولید داریم. ۲۸ درصد دام سبک کشور راعشایر دارند ۶۲ درصد دام روستایی است اکنون سازمان عشایر در مورد ۲۸ درصد اقدامات خود را انجام می دهد. اکنون در کشتارگاههای دولتی آمادگی وجود دارد که واگذار شود. زیر ساخت و امکانات کم نداریم ولی نظام صنفی کارآمد نداریم.

پیشنهاد بازار عرضه دام بدست تولید کنندگان در اتوبان قم از نظر دسترسی استانها و شهر تهران برای کوتاه کردن دست سیستم دلالی. در برنامه راهبردی دام در بازرگانی مشکلات واردات گسترده از کشورهای مختلف، صادرات بی رویه و بی سامان دام زنده، کمیت تمام شده نهاده و گوشت و عدم پایداری خوراک، آلوده شدن محصولات به بیماریها مطرح شده است.

بازار، مدیریت بازار و بازاریابی بحث مفصلی است. یک نظام تولید غیر متمرکز داریم و یک نظام بازار متمرکز داریم. نظام تولید به دلیل غیر متمرکز بودن ضعیف ولی نظام بازار متمرکز و قوی است و درآمد اصلی به جیب بازار متمرکز می رود. این صورت مسئله است. واقعیت این است که تولید کننده اصلی به نقطه ای می رسد که در کشاورزی برداشت محصول برایش صرفه ندارد و درمورد دام نیز به شکل دیگر اتفاق می افتد دولت نباید مدیریت مستقیم و دخالت مستقیم بکند و بازار ایجاد کند اگر تولید کننده خودش به سمت ایجاد سیستم متمرکز برود بهتر است مراکزی در تهران و شهرهای بزرگ قوی تر باشند به نحوی که از نظرمالیکت در اختیار تولید کننده های اصلی باشد و دولت مدیریت راهبری را عهده دار شود و سیستم جدید حضور در بازار برای تولید کننده موضوعیت پیدا کند و در این مسیر سیستم دلال گونه حذف می شود. البته ایجاد این سیستم موازی، کار سختی است ولی اگر با حمایت دولت تولید کننده ورود پیدا کند سیستمهای سردخانه و زیر ساختهای لازم ایجاد شود ممکن است چندین سال طول بکشد ولی موفق می شود باید آمادگی مقاومت سیستم سنتی را در مقابل آن داشته باشیم. بهتر است حد اقل به صورت پایلوت در یک استان پیاده سازی کنیم. این سیستم می تواند موفق شود، البته در بازار جهانی هم در مورد کالاهای مختلف این مسئله وجود دارد. برند حلال در ایران مورد توجه قرار نگرفت در صورتیکه می تواند بازار جهانی داشته باشد ولی مالزی و ترکیه از این برند استفاده کردند. به طور کلی ایجاد برند هم اهمیت زیادی دارد، مثلا برند عام تر مانند طیبات می تواند مورد توجه قرار گیرد که حلال را هم پوشش می دهد. در شرایط کنونی سیستم سنتی شبکه ای تراستی ایجاد کرده به صورت افقی ولی تولید کنندگان اگر سیستم عمودی ایجاد کنید می توانند موفق شوید.

اگر زنجیره تولید را تکمیل نکنیم جای دیگر مدیریت می کند. ظرفیت زیاد داریم سردخانه های با ۶۰ درصد ظرفیت کار میکنند. ورود مستقیم دولت صحیح نیست دولت نظارت کند.

نقش بازار در درآمد مرتعدار، تقویت تشکلهای، زنجیره تولید، آموزش، حذف واسطه، بازار عرضه دام، واردات و صادرات نابسامان، مرتعدار در رقابت باید بتواند موفق شود. سهم روستائیان را ببینیم جلسه آینده آقای سعیدی از بازارچه دعوت کنیم؛ آقای یآوری زنجیره تولید را ارائه کنند، یک نفر صاحب نظر بازار دعوت شود (آقای دکتر عزیزی) جنبه های اقتصادی بازار را توضیح دهد، آقای دکتر رزاقی از جنبه جامعه شناسی سرکار خانم دکتر رضوی عشایر ثروت پنهان